

در امور مالی و مرمت حریمه و بودجه مالیاتی کشور کمال حدیث را  
خود نشان داده و موفق گردید از بود و مداخله احاب در کارهای کشور  
حلو گیری کرد

علاوه بر اینکه نقشه تحریمه ایران را لعو و باطل ساخت از تماس  
مردم و رفتن مأمورین دولت بسفارتخانه های خارجی شدت حلو گیری  
کرد در اینجا میر دستگاہ تحریم و سیاست شیطانسی احاب بکار افتاد  
با دادن رشوه با افراد عاقل و حائن و بیبرنگها همه جا شهرت دادند که  
قائم مقام خیال دارد خود شاه بشود آخوند ملاعباس ابروایی معلم محمد  
شاه را وعده صدارت ایران دادند محمد شاه هم که مردی بی حال و  
خرافاتی بود کاملاً تحت نفوذ و سالوسی این آخوند شیاد رفته بود ملا-  
عباس که بعداً خود را حاج میرزا آقاسی شهرت داد شاه را گاهی به  
پیش گوئی و تطاریات عیبی تحت تأثیر می گرفت حاسوسان هم به تکاپو افتاده  
کارشکسی ها کردند تا نقشه شوم خود را پیشرفت داده موحصاب بیمبری  
شاه و سوءعطن او را فراهم آوردند چنانکه خود قائم مقام هم کشیده شدن  
خود را پیش بینی نمود و قبل از مرگ خود نامه ای به برادرش موسی جان  
نوشت و باو خبر داد که عمقرب کشیه می شوم اس روز را در نظر داشتیم و  
میدانستم و دانسته در راه خدمت بملک و ملت از خود گذشتم  
این را دمرد بزرگ میر قربانی نقشه و بیات پلید احاب گردید و  
ملت ایران را برای همیشه عرق تأیر و تحسر نمود که هیچگاه آبرو اموش  
نخواهد کرد

## فصل چهل و چهارم

### قتل میرز اتقی حان امیر کبیر

بعد از قائم مقام بوقت قربانی این باعه سیاسی رسید این دست پرورده قائم مقام و سیاستمدار بزرگ بار از حائز این ملت کهن سال آستین همت بالا زد و مانند استاد خود بلکه بهتر قد مردانگی را علم کرد و در برابر مشکلات و هرج و مرجی که در مدت صدارت حاج میرزا آقاسی در ایران فراهم گردید و از بی اطلاعی او در امور سیاسی پیر استعماده کرده بودند رشته انتظامات بکلی از هم گسیخته شده با امی و طعیان سران کشور صورت ملوک الطوائفی بوجود گرفته بود چون محمدشاه علیل و بی حال و نمیتوانست از عهده کشور داری بر آید جهان حاکم همسر او که بمهد علیا معروف گردید در زمان حیات شوهرش از موقع استعماده کرده در حالت هادر امور کشوری میکرد بعد از مرگ محمدشاه تا مدتی که با صرالدین شاه از تیریر بیامده بود خود زمام دار امور گردید و بمیل خود همه گونه امر و بهی در کارهای سلطنتی میکرد

بختش ها مستمری ها بطرفداران خود میداد و مردم بالایق مقام و مأموریت هاداد و تقدیری در اتلاف عواید دولت افراط کرد که حرا به بکلی حالی شد چون با صرالدین شاه و امیر کبیر وارد طهران شدند اوضاع را

خراب و آشفته دیدند جزایه خالی شیرازه انتظامات ازهم گسیخته بود ناصرالدینشاه در آن موقع شانزده سال داشت احتیارات تمام به امیر کبیر داد آمد بر رگک باشجاعت و سیاست دست باصلاحات زد در برابر طعیان سران کشور و باامنی‌ها امنیت بی سابقه‌ای فراهم نمود و همه را تحت اطاعت دولت مرکزی در آورد حرا به دولت را مرمت نمود مالیاتها را وصول



امیر کبیر

کرد از مستمریهای بیمورد و اتلاف عواید دولت شدت جلوگیری نمود نظامات لشکری و امور کشوری را بصورت آبرومندی در آورد، مشه سر بارگیری و بیچه بندی بطور شایسته‌ای مورد عمل قرار داد و سپاه منظمی

کرد آورد برای توسعه علم و فرهنگ دارالمیون تشکیل داد که در علم و  
 فن هر دو پیشرفت حاصل شود معلمین شایسته از خارج حواست شاگردانی  
 برای تحصیل بخارجه فرستاد مراوده را با سمرای خارجی ممنوع کرد  
 کارها را بین و در تقسیم نمود و وزارتخانه ها تشکیل داد خود نامور کلی و  
 مهمات کشور رسیدگی میکرد تماس سمرای خارجی را بوزارت خارجه  
 و کارها را بین وزارتخانه ها تقسیم نمود سمرای خارجه که با تشریفات حا  
 همیشه با صدراعظم وقت تماس میگرفتند همه از این کار رنجیده خاطر  
 گردیده و با امیر کبیر کیده و دریدند امیر کبیر با مشکلات عظیمی روبرو بود  
 اول حوایی و بی تحرگی شاه دوم قدرت نبود احاب که در تمام رشته  
 امور کشور اعمال قدرت و نفوذ بسیار مؤثر داشتند سوم خود سری و عملیات  
 حرا نکارانه جهان حاتم مادر ناصر الدین شاه که بعلت قطع مستمریات و  
 بخشش های بی مورد او کمردشمنی را با امیر بسته بود و با میرزا آقاخان  
 بوری بدوست و سر و سری داشت و همه در صدد محو بابودی امیر بودند  
 مشکل چهارم کینه توری همت حورایی بود که در اطراف جهان حاتم گرد آمده  
 بودند و حرا به دولت را عارت میکردند و امیر از آنها جلوگیری  
 کرده بود

جهان حاتم (مهدعلیا) صد روز از روز مردن محمدشاه تا آمدن  
 ناصر الدین شاه از تبریز زماندار امور بود با اینکه در زمان محمدشاه هم  
 مداخله کلی در امور کشور می نمود برای جمع مهر خود و اجرای فرامین  
 این مصرع را در مهر اسم خود رسم کرده بود،

مهین مادر ناصر الدین شهم

آمدن شاه و امیر کبیر مهدعلیا بحیال افتاد که دل امیر را سرد و

بار حرمراد سوار شود دید امیر از آن کسانی بیست که توان او را در دام  
انداحت و از سیر عقلائی معروف ساحت او دختر شایر ده ساله خود مملکراده  
حاجم (عزت الدوله) را بعقد امیر در آورد که شاید از ایراه او را ما خود  
همراه سار دنا موفق شد از آن روز دسته بندیها برای حرای این مرد بزرگ  
و نقشه ها کشیده شد

در موقعیکه بتحریرک احاب فتنه حسن جان سالار در حراسان  
بر پا شد محرکین در طه-ران عوعائی راه انداختند و سپاهیان را بر  
صد امیر تحریرک کردند که بحانه او حمله کند و او را بکشند ناصر الدین  
شاه سحت مقاومت نمود و گمت سر باران و عاملین را تمام حواهم کشت  
دیدند این نقشه هم نقش بر آب شد

روزی سفیر عثمانی برد امیر دولت و بطرش این بود که ماسد زمان  
حاج میرزا آقاسی اطاق را حلوت کند و تشریفات خاصی انعام دهد  
چون مطابق میل او پدیرائی بشد برد شاه شکایت کرد ناصر الدین شاه از  
امیر علت را پرسید امیر عرض کرد عثمانی ها هیچوقت با ما دوستی نداشته  
دشمنی آنها را این حبه است که دولت عثمانی همه کشور های اسلامی را  
گرفت لیکن نتوانست کشور ایران را بگیرد و همیشه باین کشور تحاور  
می کرد و گمت دیرور که سفیر عثمانی با سفیر انگلیس برد من آمدند دیدم  
انتظار دارند اطاق را حلوت کنیم با آنها مطالب خود را بگویند گمتم اگر  
برای تریک و نشان اعطائی شاه آمده اید بسیار ممنون هستم اطاق حلوت  
کردن لازم بیست و اگر برای مطالب دولتی آمده اید وزیر امور خارجه  
معین کرده ام تا کدورت از سرل من رسد

چند روز قبل وزیر مختار انگلیس برای من پیغام فرستاده بود که

ممکن است بین دولت و سالار که حراسان را با آتش کشیده است او واسطه  
اصلاح شود من جواب دادم ایران مصر بیست که شما يك محمد علی پاشای  
ناوی تراشید ما حدیولارم نداریم

امیر کپر دور نامه و ترجمه کتب را موجد گردید دسگناه (۱) حاسوسی  
و فتنه انگیزی بر راه افتاد و همه جا شهرت دادند امیر میخواستند شاه شود و حتی  
خدمه اندرون و رفاصه ها همه این حد را شهرت دادند سلطان حاکم رفاصه  
مهد علیا که طرف توحه شاه بود بالهن مؤثری شاه گفت امیر نقشه شاهی  
می کشد شاه در ضمن مذاکرات با امیر این مطلب را که رفاصه گفته بود اشاره  
کرد امیر دسته بندیها و کارشکشی های مهد علیا را درسی بی زبیده شرح داد  
و گفت در خانه یکی از سادات هندی که در تهران تدریس می کند يك مهر  
فرنگی بالاس مندل وارد میشود در موقعیکه عده زیادی از هر طبقه از در و  
شاهزادگان و غیره نام تحصیل در آنجا گرد آمده بودند خطاب بحضار  
میکند و میگوید همه میدادید میردانی حان پسر آشپز است و شماها که  
همه تان از قدیم ترس و بزرگ ترس حاکمادهای ایران هستید چطور در اسی  
میشوید که يك مهر آشپز داده بر شما حکم مائی کند و حقوق همه را  
قطع کند و شما بشخص بروشد امیر آن گزارش را که حصیه بویس نوشته  
بود بعرض شاه رسانید و بپر قسمت تحریک آمیران فرنگی را که حصیه -  
بویس گذارش داده بود بدین مضمون

گمان ندارم ای مردم مسلمان باشد زیرا مسلمانان به تقدیر و سر نوشت  
قائل هستند و هر چیز را از حوب و بد از حساب خدا میدانند اگر باسلام

---

۱ - نقل از کتاب دست پنهانی سیاست انگلس نگارش حان ملک ساسانی

اعتقاد داشت بایستی بداند که این اوضاع ایران از جانب خدا است و  
کوشش بی‌حیة نکند و مردم را برحمت بیدارد و دیگر ایسکه ایسهمه  
تأسیساتی که می‌کند از قبیل کارخانه‌های پارچه‌بافی رنگرزی و قدساری  
و غیره برای این است که با سر با سر فرنگستان رقابت کند از شما میسرسم آیا  
همچو چیزی ممکن است نتیجه دیگر عملیات او این است که بالاخره ایران را  
بصک بکشاند و عرییران شما را بکشتن بدهد پس بر شما واجب است  
که این عرایض بدهد را در میان مردم پراکنده بکیند و بگذارید که او این  
مقاصد را انجام دهد و همه جا شهرت دهید که او حیال سلطت دارد و این  
راه میتوانید شاه جوان را با او دشمن بکیند و نتیجه برسید

حال آن فرنگی که بوده هر کس میتواند با قرائن و امارات بداند که  
از کدام کشور بوده است خلاصه ایسکه شهرت این حمرها شاه جوان را از  
امیر خدا کرد و امر بعزل او داد و بعین کاشان تبعیدش کرد و میر را آقاخان بوری  
را که خود تبعه انگلیس بود روی کار آوردند سفیر روس بحیال افتاد که  
از تراز روس بخواهد و او از ناصر الدین شاه درخواست نماید امر را دوباره  
بصدازن مصوب نماید و شاید با سیاست روس همراه شود این حمر بجهان  
حاجم و دستگاه و تنه انگیری رسید و تصور کردند اگر پادشاه روسیه این  
تقاضا را نماید شاید مورد قبول واقع شود لذا بر فعالیت خود افزودند  
چنانکه گفتیم علت تسریع را پورتی بود که بعقوب از منی پسر ملکم از  
سفارت روس کسب حمر کرد و احتمال درخواست پادشاه روسیه را بمهد علیا  
گزارش داد مهد علیا همه همدستان خود را ارداحلی و خارجی درسی بی  
زیده جمع کرد و مطلب را در میان گذاشت و در بری گفت این کار باید بدست  
حاجب الدوله که فرانشاشی است انجام شود ولی متاسفانه حاجی علیخان

مقدم فراموشی در حرکه مایست و از امیر محبت دیده و ممکن است  
بایسکار دست برسد این امر دستخط کتبی شاه را لازم دارد مهدعلیا گمت  
راضی کردن حاجی علیخان و گرفتن دستخط شاه با من

چهار روز (۱) بعد از سعید امیر سه شبانه روز اندرون شاه چراغان  
شد و سلطان حاتم رقاصه را برای اعتضاد السلطنه کابین بستند شش همه  
مطربان و خوشگلها را مهدعلیا جمع کرد و شاه را در مجلس عیشی که  
برای ایسکار تهیه دیده بود چنان مست کرد که سر از پا نمیدانست در این  
موقع فرمان قتل امیر را با مصار رسانید و همان شب بحانه حاجی علیخان  
مقدم رفت و با تمام وسائلی که قبلاً آماده کرده بود او را نکاشان فرستاد  
حاجی علیخان با کمال با رضایتی با حار حرکت کرد طرف صبح که  
ناصر الدین شاه بهوش آمد فرستاد و دستور داد حاجی علیخان تا مراسید  
حرکت نکند خبر دادند همان بینه شب حرکت کرده است

حاجی علیخان با میرزا احمد حلودارش و علیخان بایب تقم رسید  
خود در قم تمارض کرد بعلیخان بایب و میرزا احمد دستور داد بروید  
در کاشان حکم را ارائه دهید و با امیر عرص کسید و در فرار کند که تا حاجی  
علیخان برسد او در آنجا باشد این دو نفر بهن کاشان آمدند امیر در حمام  
بود میرزا احمد و علیخان وارد حمام شدند و دستخط شاه را نشان دادند  
و عرص کردند حاجی علیخان در قم مانده و حا کران را فرستاده که با امیر  
عرص کسیم نظرفی فرار کند امیر گمت حاجی علیخان بسیار علاط کرده است  
خیال کرده امیر از مرگ میترسد دلاک آنجا حاضر بود دستور داد و

---

۱ - نقل از کتاب دست بهایی سیاست انگلیس در ایران نگارش خان



گفت رنگ دست مرا قطع کن بدین تفصیل بابعه بزرگ ایران چشم از  
حبال پوشید و شهید دسته بندی و تحریک احباب گردید و در ناپاکی بیشتر  
در این راه حث فطرت نشان داد

اسان (۱) وقتیکه تاریخ سه سال اندی را که امیر کبیر مصدر امور  
مملکت ایران بوده مطالعه میکند روحش شاد و قلمش خوشحال میشود  
و از خوشحالی درون سینه می طپد ولی همیشه تا آخر روزگار او میرسد  
بر مین و زمان عمرش می کند و در درون سینه آه سوزناکی می کشد و بمسئولین  
این حسایت که ملتی را بعرای و ماتم او بشایدند لعنت میفرستد ولی چنین  
بود سیاست جاهلانه سلسله قاجار که تحریک عمال احسی با هر مرد با  
عزم ایرانی مخالف بودند و هر سیاستمدار دولت و ملت خواه که بعرصه  
و خود میآمد او را معدوم میکردند ، معتمدالدوله و نهاد میرزا در کتاب  
حام حم می نویسد و از حاج میرزا آقاسی انتقاد می کند و از سوء تدبیر او  
بدمیگوید و می نویسد حاجی میرزا آقاسی معلم سر حابه بی اطلاع از اصول  
مملکت داری و عاری از هر نوع معلومات حر همان تربیت آخوندی بدور  
ایسکه مدعی داشته باشد احباب میگذازند چهارده سال ایران مدار باشد  
هر گاه دارای فهم و شعور و دانش بود ممکن بود بگذارند پیش از چند  
صاحی صدارت کند چنانکه حاجی ابراهیم اعتمادالدوله و میرزا ابوالقاسم  
قائم مقام و راهانی را گذاشتند صدارت کند

همانقسم که در قسمت های پیش متذکر شدم ایران داری استعداد و

---

۱- نقل از کتاب روابط ایران و انگلیس نگارش محمود محمود

نوع فکری هستند و مردان رشید و باکفایت داشتند که اغلب دارای  
معلومات علمی بوده و در مکتب سیاسی تحصیل کرده بودند از جمله نام  
مرد شجاع و آزادیخواه ستارخان سردار ملی و همدست او باقرخان سالار  
ملی را باید نام برد که چون شهید شد محمدعلی شاه مجلس را ستوپ بسته و  
آزادیخواهان را مورد قتل و شکنجه قرار داده مردانه قیام کردند

در هنگامیکه ساه فر او ان محمدعلی شاه و مستدین سرداری شجاع  
نظام گروسی اطراف شهر تبریز را گرفته و آن شهر را محاصره کرده  
بودند و بعضی از روحانی نمایان هم فتوای جهاد برصد آزادیخواهان  
داده و قسمت مهم شهر تبریز در تصرف دولتیان بود یک محله را سگرگاه  
خود کرد و با حروفهای مہیح عدهای را تشجیع نمود و همراه ساخت و خود  
شجاعانه جنگید قوسول روس او را بشدت تهدید نمود اعسائی نکرد و  
بشدت از شهر دفاع نمود در حین جنگ بار قوسول روس او را ملاقات  
کرد و گفت تو با این عده کم با دولت نمی توانی جنگ را ادامه بدهی  
اگر تحت حمایت دولت روسیه بروی ریاست از نظامات را با ماهی بیست  
هزار تومان مقرری شما خواهم داد سارخان این پیشنهاد را رد کرد  
و گفت به بول و به مقام میخواستیم برای استعمال و آزادی کشورم تا حان دارم  
می جنگم

فداکاری ایمر د شجاع را مردم ایران هیچوقت فراموش نمی کنند  
افسوس که با حصره حو از ان احاس ایمر د جنگی را که با فتح و غلبه بطهران  
آمده بود و میخواست همیشه با اسلحه در راه میهن خود سر بازی کند  
باین عنوان که اسلحه باید در دست سپاهیان دولت باشد خواستند او را

حلع سلاح كند او كه اسلحه را سپر جان خود و اساء وطن ميدانست از دست دادن اسلحه خودداری كرد خواستند برور از او بگيرند دفاع كرد تير پايش خورد اين يكي هم قرباني سياست تحريك و دسيسه گردیده ميبين قسم تا دوران اخير همه داعيان دارای افكار بلند قرباني شدند

## فصل چهل و پنجم

### سلطنت شاهشاه پهلوی رصاشاه کبیر

در قسمتهای پیش مدکر شدم که در هر دور و زمان که اوصاع کشور ایران شدت آشفته و بحرانی می شد حدای ایران فرد ممتاز ورشیدی را اردحائر ملی همین ملت بر می انگیزت و بیاری جامعه کمر همت می بست و افحازات گذشته را تجدید می نمود چنانکه در قرون و اعصار متمادی این ست حازی بوده و این وقایع تکرار شده است

در قرون احمر و دوره رمامداری احمدشاه قاجار که اوصاع کشور بی نهایت رو بوحامت میرفت و به پرتگاه زوال و انقراض بر دیک شده و هر ح و مرح و ناامی در تمام کشور حکمرا بود رشته بطامات کشوری و لشکری از هم گسیخته و قوای تامیبه ای و خود بداشت قدرت نمود احاب بعد اعلائی خود رسیده بود در ایتموقع افسر رشیدی اردحائر ملی قیام کرد و آن افسر رصاشاه کبیر بود که مانند پادشاهان سلف خود شاه اسمعیل صفوی شاه عباس کبیر پادشاه افشار دامن همت بکمر زد و قدر دانگی علم کرد اول در سایه لیاقت و سوع ذاتی اردر حه سر باری نافرری و بعد خود را بمقام شامح سلطنت ایران رسانید در موقعی که این افسر رشیدرمام دارامور گردید عمال حارحی نقدری افراد پست و ور و مایه را با نام حاسوس

حقوق بگیر در اختیار خود داشتند و حائس در پستهای حساس وارد بودند که بیک اشاره میتوانستند شورش و بغاوت برپا نموده ایجاد مشکلات نمایند و سردار اصلاحات نبودند این افسر رشید که در هیچ مکتب سیاسی تحصیل نکرده بود برای نجات ملت خود مدبرانه با سیاست رور همراه شد



رضا شاه کسر

چنانکه عمال کهنه کار دولت انگلیس اعمال شدید این فرد ممتاز در قدم اول تاسیس قوای لشکری و نیروی انتظامی پرداخت و قشون منظم و

محهری را تشکیل داد و شروع باصلاحات نمود در آنموقع چگونگی  
میتوانست در راه اصلاحات قدم بردارد درحالیکه کشور صورت ملوک-  
الطوایفی بحود گرفته قدرت حکومت مرکزی حردشده بود وهریک از  
سران قوم و حواین ایلات دارای چنان قدرتی شده بودند که مالیات  
بمی دادند بلکه حکومتها را بر خود تقسیم می کردند و دولت مرکزی  
باصعی که داشت احکام را امضا می کرد قدرت قانون در کشور بود  
تشکیلات حربی و خود بداشت در برابر لحام گسیختگی افراد ماحراحو  
حرایکه با قدرت دیکاتوری نتواند قدرتهای کوچک را درهم بشکند  
تا قدرت دریک حامت متمرکز و دولت مرکزی قوی شود چاره ای بداشت  
و چگونگی می توانست باین هرح و مرح و با امی بشود و مشورت با افراد  
متلون سست عنصر بر دارد و باین اوصاع حاتمه دهد و مسلط گردد

در قدم دوم با قدرت نظامی مالیاتهای عقب مانده را وصول کرد و  
حرا به دولت را مرمت نمود سران حائن و قدرت های کوچک را درهم  
شکست و حکومت مرکزی را بدرجه اعلائی قدرت رسانید امیت بی-  
سایه ای در کشور ایجاد نمود در دان و راهربان را قلع و قمع کرده در  
توسعه علم و دانش اقدامات کافی نمود دانشگاه بررگگ و آبرومندی تأسیس  
کرد که در حاور میانه بی بطیر است و معلمین شایسته و عالیقدر ارحارح  
خواست و همه گونه وسایل و لوازم در آن بحود آورد و برای تحصیل  
علوم و فنی که باید در حارحه فرا گرفته شود شاگردانی بکشورهای حارح  
فرستاد تا تحصیل علوم عالیه بردارند شهر طهران را بصورت ریاسی در  
آورد و حیابانها را بحوبی وسعت داد کاحهای محلل و آبرومند برای  
ادارات کشوری و لشکری سازماندهد

در تمام استانها و شهرهای کشور دستور اکید برای ریائی و حیابان  
 مدی و عمران داد که اقدامات لازم را نمایند سفارتخانه های خارج  
 از کشور را بصورت آبرومدی در آورد کارخانه های متعدد مانند کارخانه  
 قدساری، نساجی، اسلحه سازی، کارخانه برق وارد کرد راه آهن شمال  
 و جنوب را که تصور آن بصورت بدو فرسخه خارج کشید و محارج آن  
 را از مبلغ حرمی افزودن بر قیمت قند و شکر مصرف داخلی تأمین نمود  
 چون قدرت کافی بدست آورد در بودجه احباب و تماس افراد ایرانی را با  
 سفارتخانه های خارج مسموع و جلوگیری کرد کبیر و محارجات  
 حاسوسانی را که بمع احباب مرتکب این عمل می شدند اعدام مقرر  
 داشت امتیاز نفت جنوب را که بوسیله فرستادن در مامداران نادان گذشته  
 گرفته بودند و در مقابل میل طلای ایران مبلغ باچیری بدولت ایران  
 میدادند باشعاعت و تهور پاره کرد که بر سود ملت افزوده شود و قرار داد  
 بهتری منعقد گردد اوسوس که اطرافیان آلوده چنانکه باید و طبعه حیر-  
 خواهی را انجام داده قراردادی امضاء شد که مبلغ کمی افزودند و مدت  
 را زیاد کردند ولی بمع مطلوب عاید نشد در توسعه کشاورزی و ازدیاد  
 محصولات ارضی و در حتی اقدامات لازم را بدول داشت در کرج دانشکده  
 آبرومد کشاورزی دایر کرد که مهندسی از آن بیرون آمد و بولایات  
 فرستاده شد در شهرها مزارع بموبه تشکیل شد که دهقانان و کشاورزان  
 را بطرز بوس و علمی آشنا سازند در ازدیاد و بالا بردن سطح صادرات  
 بدل همت نمود

فرودگاهها قریبیه ها بهمت این شاهشاه دایر گردید برای صنعتی  
 کردن کشور بمایشگاه دستورداد و صنعت گران را تشویق کرد در حریان  
 امور و بظم ادارات دولتی باسر کشی های مکرر مراقبت می کرد اوسوس

که دست بآپاک و سیاست طالمانه احاطه که همیشه این کشور را مورد  
تطاول و تجاوز قرار داده بود او را عاقلگیر کردند و نگذاشتند چنانکه  
شایسته دوران عظمت تاریخ گذشته ایران باشد مرام و مقصود اصلی او  
حامه عمل پوشد با حملات دو حاسه شمال و جنوب او را بدست امواج  
دزیا سپردند و ملت ایران را برای همیشه از خود متفرساختند با گمه  
بماند و در قسمت های پیش هم متدکر شدم باشواهد تاریخی نمیتوان هیچ  
یک از شاهان ورمام داران را از حطا و اشتباه مرا دانست یا در هر بهصت  
و تحول افرادی بحق یا باحق کشته بشوند چنانکه غالب پادشاهان دوران  
گذشته کسان خود را برای استحکام مانی سلطنت و پیشرفت مصالح  
ارعیان برداشتند

شاه عباس کبیر فرزندان خود و بسیاری از مردم و سران قریانش را  
در راه استقلال و عظمت کشور یا برای سلطنت خود از میان برداشت  
بدر شاه فرزند خود را کور کرد و تاحعلی شاه هم حسینیقلی جان برادر خود را  
کور نمود چیزی که مورد سپاس گذاری و نام بیک پادشاهان با عظمت  
است همانا خدماتی است که در راه استقلال و عظمت کشور و فدا کاریهایی  
است که در راه آسایش و رفاه ملت انجام داده اند بی شک شاهشاه فقید در  
عداد شاهشاهان بزرگی که ایران را از خطر روال و انقراض نجات داده اند  
میباشد عرض از نگارش وقایع تاریخی شرح و توضیح حملات عرب بر  
شرق و تجاوزاتی است که باین ملسها شده و علت عقب ماندگی از صایع و  
ترقیات عصر کنونی را متدکر شوم

در زمان مامداری شاه فقید سو دپرستان حرمت احتلاس و ارتشاء  
نداشته را از انبث و قدرت او بحدود مپلر دیدند و مانع بود از اینکه افراد



زیادی و بیکار بر ادارات دولتی افزوده و بر ملت بحمیل گردید لیکن بعد از  
شهریور ۱۳۲۰ با اوضاع کشور تا درجه‌های دچار احتلال گردید متصدیان  
بی ایمان برای انقا و دوام بیشتر جاه و مقام خود با توصیه و سفارش و یا  
ارفاق و احسان در حق کسان و بستگان خود افرادی را نام کارمند معاویین  
مخالف بر این ملت و بودجه کشور بحمیل کردند در زمان شاهشاه فقید  
عده کارمندان قریب شصت هزار نفر بود در مدت کوتاهی بالغ بر صد و پنجاه  
هزار نفر بر کارمندان افزوده شد چنانکه وزیر دارائی در مجلس شورای ملی  
گفت صدی هشتاد و دو بودجه کشور بمصرف کارمندان دولت میرسد علاوه  
بر این از تشاء و احتیاج و احوال عالی و احوال رسید چون اوضاع داد گستری  
هم صورت خوب و قدرت اجرای کثیر بداشت مانع معقود و مقتضی هم موجود  
بملیونها احتیاج دست زدند شرکت ملی نفت در داخله کشور ایران  
دولتی در دولت تشکیل داده بود و عمال انگلیس در پس این سنگر عظیم  
کاملاً با مقدرات این کشور بازی میکردند از ملیونها لیره و ثروتی که از  
خریان نفت میردند مبلغی را هم برای مردوران و طرفداران خود در مر کر  
خرچ میکردند و ماهیانه مقرری آنان را میپرداختند و هر کس راه مخالف  
میدیدند او را با آنان دعوت کرده و با مقداری لیره او را ساکت میکردند  
عرض ایسکه که پانی نفت ایران و انگلیس در کشور ایران بعد از تهاجم بك  
کشور عارتگر بکشور و ملت ایران لطمه وارد آورد و سیاستمداران عرب  
برای خرابی شرق و ملیهای اسلامی بهر وسیله دست زده و از هر فرصت حداکثر  
استفاده را نموده اند چنانکه در سوات احیر کشور پوشالی اسرائیل را  
در قلب ممالک اسلامی تشکیل دادند زیرا می دانستند بین این دو ملت  
اختلافات شدید و دشمنی های آشتی ناپذیری وجود دارد و میتواند کانون

فساد و ایجاد فتنه در میان اعراب باشد و دولتهای استعمارگر نتوانند این ملت‌های مسلمان را همیشه ضعیف نموده و استثمار نمایند. تحاورات دولتهای غربی بر ممالک شرق اسلامی و کشور باستانی ایران به نحوی است که نتوان شرح داد اوراق تاریخ همه را ثبت نموده با حصول آزادی بیشتری حلق‌ها باز و افکار روشن‌تر میشود و حقایق چنانکه باید ابرده بیرون میآفتد. شاعر ملکوتی ایران حلال‌الدین مولوی میگوید

چونکه بد کردی رحود ایمن مناش      دانکه تحم است بر ویاند حداش  
 با گفته نمیگذارم که بحث و انتقاد ما درباره مردم اروپا عرص  
 آتش افروزان جنگ‌های جهانی و حاسوسان و عمال دولتهای متحاور و  
 ستمگر اروپاست که دولت و ملت ایران و سایر ملت‌های اسلامی را مورد  
 تجاوز قرار داده اربای در آورده‌اند. دانشمندان عالیقدر و خانواده‌های  
 اصیل و مردم نجیب اروپا از بحث و انتقاد ما خارج و هم مورد کمال احترام  
 نگارنده بوده و هستند.

## فصل چهل و ششم

### زارهای پهبانی و دستهای ناپاک داخلی

در قسمتهای پیش آمدن حان ملک انگلیسی را با اعتبار نامحدود شرح دادیم که با دادن هدایا و رشوه زیاد چگونه با ارتش را باز کرد و تحم بقاق پاشید اکنون هندستان او را با زارهایی که کمتر بمعرض بیان آمده در اینجا متذکر میشوم سردسته (۱) حاسوسان انگلیس در آن اوقات میرزا ابوالحسن ایلچی حواهرزاده حاجی ابراهیم حسان اعتمادالدوله بود و از جمله کارکنان و حاسوسان در دربار فتحعلی شاه اللهیارحان آصف الدوله دولورا باید نام برد که در مقام داری قاجار اوقوی بلورا باطناً مخالف بود با اینکه دائی محمد شاه بود نقشه خرابی آنها را در نظر داشت عبدالله حان امین الدوله اصفهانی نیز از زمره حاسوسان و خدمتگذار بیگانه بود خدمتانی به دولت انگلیس انجام داد و در راه احرار مقام سنگ حاسوسی و خدمت انگلیس را بر خود هموار نمود در زمان محمد شاه حاسوسان و کارکنان دولت انگلیس میرزا محمد علی حان شیرازی حواهرزاده میرزا ابوالحسن حان ایلچی وزیر

---

۱ - نقل از کتاب دست پهبانی سیاست انگلیس در ایران بگارش

حان ملک ساسانی ۹۹

خارجه ایران بود ، میرزا شعیب خان صاحب دیوان شیاسی ، صدر الممالک  
اردبیلی ، حکیم بطرعلی قزوینی میر از حاسوسان در دست و کار کبان  
انتلیجست سر و بس بودند

در زمان سلطنت ناصرالدین شاه سردسره حاسوسان و خدمتگذاران  
انگلیس میرزا آقاخان بوری بود که ورقه تبعیت داشت البته شیده ایست  
که در زمان صدارت حاج میرزا آقاسی حمر باو دادند که میرزا آقاخان  
بوری شبانه سفارت انگلیس میرود حاج میرزا آقاسی در حقیقه مامورینی  
گماشت همیکه حسان بوری از سفارتخانه بیرون آمد او را دستگیر  
کردند و برد حاجی میرزا آقاسی بردند او را بچون بست و پانصد چون  
باو زدند قبل از آمدن ناصرالدین شاه به طهران و به تحت ششست چنانکه  
گفتیم مامهد علیا پیوست رفته رفته او را بر صد امیر کمر به ناصرالدین شاه  
تحویل کردند و بعد از قتل امیر او را بمقام صدارت رسانیدند

لیدی شیل (۱) زن وزیر مختار انگلیس در کتاب خاطرات خود  
میویسد میرزا آقاخان قبل از احراز مقام صدارت بامه ای شوهرم نوشت  
که چون قراست صدراعظم سوم استدعا دارم فعلا مرا از تابعیت دولت  
انگلیس معاف دارید شوهرم در حاشیه بامه او نوشت افتتاح تابعیت  
انگلیس بیشتر ارتاح کیان است

ذکر نام حاسوسان و دستیاران احاب در این اوراق که بطایر  
آن تا سواب احیر هم بوده اند برای عبرت آیندگان و نژاد بعدی  
است که بدانند نك توسل با حسی و خدمت به آنها بعلاوه اینکه

---

۱ - نقل از کتاب دست سپاسی سیاست انگلیس در ایران نگارش

خان ملک ساسانی صفحه ۱۰۰

دولت و ملت خود را بطرف روال و فقر اقتصادی سوق میدهد لکن  
ملت و نریس اندی برای همیشه در ناره آنان ننت تاریخ ایران  
خواهد شد

اگر بخواهیم از مطالب و تحاورات دولت های هم حواد بویسیم  
کتاب های قطور لازم است و در این باب بویسدگان توانا شرح داده و اگر  
بعداً آردی عمل بیشتری فراهم شود راههای پهبانی دیگری از پرده برون  
خواهد افتاد

عکس العمل کردار و کیر اعمال مورد ادعا و اعتراف بسیاری از  
داشمندان است چنانکه مولوی متفکر بزرگ و شاعر ملکوتی ایران  
میگوید از مکافات عمل عاقل مشو گندم از گندم بربوید حور حور  
با تحولات و تغییراتی که در سوات اخیر در اوصاع سیاست جهانی پدیدار  
گردیده می بسیم عکس العمل تحاورات و فتنه انگیریهای استعمارگران  
اروپا و دولت انگلیس از چند سال نایطراف بحوبی نمایان گردیده بعلاوه  
بالای جنگ جهانی که انگلیس را بفر اقتصاد و مشکل بزرگ حیاتی  
رو برو مساحت که اگر دولت امریکا سه آن دولت کمک مالی و سیاسی  
نمیکرد رون با حطاط میرفت

مستعمرات انگلیس یکی بعد از دیگری خود را مستقل نموده  
گنج ناد آورد هندوستان، مصر، حاور میانه، کانادا، استرالیا، و غیره را از  
دست دادند بقیه هم در سایه روشنی افق افکار که بر حسب ناموس تکامل  
روز بروز در تراید است و نتیجه اعمال گذشته در معرض بیان و ظهور  
خواهد رسید همه مستعمرات را از دست خواهد داد و آنچه تشکیلات  
عریص و طویل ایام عظمت استعماری البته محارح ریباد خواهد داشت

بدین لحاظ بطرف افلاس و نقصان و ساحت قدرت سیاسی می‌رود و آن  
بعود فتنه‌انگیزی در ایجاد نفاق در کشورهای دور دست با گذشت زمان  
و مرگ طبقه رحاله و فرتوت امثال بوری سعید و امثال در کشورهای  
دور دست پیر نمود آن‌ها از میان می‌رود طبقه و نسل جوان که معنی شرافت  
بسی و ارزش حیا را در حفظ حیثیات ملی و عظمت کشور خود میداند باین  
سک و رسوایی تن در نمیدهد و عرت را به دلت اخلاقی مبادله نمی‌کند  
ولو وزارت و صدارت بوسیله احسی بآنها داده شود

## فصل چهل و هفتم

تلیعات سمی برای ایجاد یأس و ضعف روحی

از حمله حربه هائی که بیگانگان با سیاست شیطانی خود برای درهم شکستن قوه مقاومت و ایجاد ضعف و یأس ملت‌های تحت نفوذ و استیلاى خود بکار می‌برند همانا تلیعات سمی و شبهات بازروائى است که بیروى فعاله آن قوم و ملت را فلج نماید البته این اشاعات و تلیعات چنان در لغافه‌های حقیقت بمایپچیده میشود که بصورت راست بلهى مى‌گردد بویژه اینکه از حلهوم با پاک افراد پست و فرومایه یا مردم عاقل همان مدت منتشر گردد

دانشمندانی بر تلیع را از صورت شمشیر بریده‌تر گفته‌اند حکیم نظامی قمی معروف بگنجوی اردانشه‌مدان معروف ایران میگوید شمشیری یکی تاده توان کشت

برائى لشکری را بسکى پشت

شاعر دانشمندی بیرچین سروده است

کارها راست کند عارف عاقل بسبح

که صد لشکر حرار میسر شود

شبهه اول موضوع علم و بی‌علمی است که مردم اروپا را عالم و ملت

ایران را بی علم گفته‌اند دوم ملت ایران فقیر و ملتهای اروپا را ثروتمند  
میدانند سوم ملت ایران ضعیف و ملتهای اروپا دارای قدرت و نیروند  
چهارم - ملت ایران و ملتهای اسلامی را در انحطاط دانسته‌اند

ناشر و اشاعه اینگونه شبهات مردوران احباب و عمال بیگانه  
حداکثر استفاده را نموده‌اند و در اثر این القاءات صریح کاری با افکار و  
روحیات ملت رده و خدمت مهمی در باره بیگانگان انجام داده‌اند  
اکنون برفع این شبهات باروا میپردازم

شبهه اول در موضوع علم و بی علمی در مرحله نخستین باید نوع  
علم و اثراتی را که بر آن مترتب است در نظر بگیریم قصاصت و عقیده  
دانشمندان جهان را بدانیم که چگونه علمی را برای صلح جهان و آسایش  
افراد بشر ارم و از حج دانسته‌اند از منطق قوی و استدلال هر ادعا روحانیون  
جهان میگذریم آراء و عقاید فلاسفه اروپا را مورد بحث و بیان قرار  
میدهیم البته بطور نمونه و اختصار زیرا مسای بطرد در مدارجات این اوراق  
ایجاز و اختصار است

اولا (۱) فیلسوف بزرگ یونانی ۴۲۷ ق- م میگوید محسوسات  
طواهرند و حقایق عوارضند و گذرنده به اصل و باقی - علم بر آنها تعلق  
نمی‌گیرد

ارسطو (۲) فیلسوف مشهور یونانی ۳۸۴ ق- م میگوید فیون علم هر چه  
ارسود و بیع مادی دورتر باشد شریف ترند  
دکارت فیلسوف فرانسوی که در قسمتهای پیش شمه‌ای از افکار و

---

۲۰۱ - هل از کتاب سر حکمت در اروپا نگارش دکاء الملك فروعی



عقاید او در این اوراق نگارش یافت اساس و بیان فلسفه و تحقیقات خود را بر علم ماوراء الطبیعه و الهیات قرار داده میگوید فلسفه و سرله درختی است که اصل و ریشه آن علم ماوراء الطبیعه (متافیزیک) و علوم دیگر سرله شاخه های آن درخت هستند

در کتاب مشروح و مفصل او این حقیقت را بسیار بحث و روشن نموده است مترلیک فیلسوف مشهور بلژیکی در کتاب عقل و سر نوشت خود در علوم معنوی و حقایق آسمانی تحقیقات عمیق نموده از جمله میگوید که این صفت و علوم مادی هر قدر توسعه یابد و پیشرفت نماید پایه علوم و حقایق معنوی نمیرسد و نمی تواند سعادت بشر را تأمین نماید بسیاری از فلاسفه اروپا با الهیات و معنویات گرویده اند تر دیدی نیست که علوم و حقایق آسمانی سرله روح عالم حیات و علوم مادی مربوط بحسما بیات است و سرله جسم جهان زندگی است مسلم روح از جسم افضل است زیرا علوم معنوی و تعلیمات الهی عوطف را در نهاد بشر میپروراند روح فصیلت و تقوی را در افراد تقویت میکند بطور مسلم این علوم در ایران و در مشرق مراتب بیش از عرب است مردم عرب و ملت های اروپا بیشتر بحسما مادی پرداخته شهوات جسمانی را تقویت کرده اند اگر لذت حیات در مادیات و مقصود از جهان زندگی پرورش جسم و ارضای شهوات باشد حیوانات و عرالهای کوهی مراتب بیش از افراد بشرند میسرند زیرا بهترین گیاه های بیرو بخش را در هوای خوش و حرم میچربند و گوارا ترین آن چشمه سارها را مسوشند حیاط و درن و طبیعت چنان لباسی بر اندام آنها پوشانیده که حردهای چین و چروک ندارد سالی یک نوبت در فصل